

عدم مداخله در امور سیاسیه و اطاعت از حکومت متبوعه

مجموعه ای مستخرج از  
پیام های حضرت ولی امرالله و معهد اعلی

جمع آوری دکتر پیر خان

## ۱- اهمیت مطالعه این موضوع

س- چرا آنچه که يك بهایی انجام می دهد، اهمیت دارد چه که در آثار مبارکه و عودی در مورد غلبه امرالله وجود دارد؟

ج- بيت العدل اعظم می فرمایند: "جند امرالله که به فرمان رب الجنود پیش می رود تا قلوب انسان ها را فتح کند. ابداً مغلوب نخواهد شد اما اگر حامیانش اقدامات غیر حکیمانه مرتکب شوند و غفلت نمایند از سرعت ترقی و تقدم آن ممکن است، کاسته شود." (ترجمه) (۱)

س- چه تاثیرات احتمالی از اقدامات يك فرد بهایی که در امور سیاسیه مداخله می کند، ممکن است حاصل شود؟

ج- بيت العدل اعظم می فرمایند: "يك اقدام یا اظهار نظر ناخردانه از طرف يك فرد بهایی در يك کشور ممکن است به مشکلی عظیم و معضلی وخیم برای امر مبارك در آن مملکت یا نقاط دیگر و حتی از دست رفتن جان برخی از احبای الهی منجر گردد." (ترجمه) (۲)

س- ارزش فرد بهایی که در این زمینه دارای مطالعات عمیق تر در تعالیم مبارکه باشد، چیست؟

ج- بيت العدل اعظم می فرمایند: "این ملاحظات و مشاهدات نه تنها به یاران مساعدت می کند که به نحوی هوشمندانه و تابناک تعالیم مبارکه نازله در این خصوص را تبعیت نمایند بلکه کمک خواهد کرد تا نگرش بهائی را برای نفوسی که ممکن است از حکمت و ثمربخشی آن سوال نمایند، توضیح دهند." (ترجمه) (۳)

## ۲- جریانات عظیم در عالم

س- نقشه عظیم الهی را چگونه می توان توصیف کرد؟

ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "نقشه عظیم الهی که در ترقی و تقدم خود قرین غوغا و هیجان می باشد، از طریق کل نوع بشر عمل می کند. موانع حالیه برای حصول وحدت عالم را زائل می سازد و عالم انسانی را در میان شعله های نار آلام و تجارب در هیکلی واحد استحکام و قوام می بخشد." (ترجمه)(۴)

س- این جریان به کجا منتهی می گردد؟

ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "این جریان در موعد معینی که در علم الهی است، موجد صلح اصغر خواهد شد..." (ترجمه)(۵)

س- خصوصیات اصلی و عمده صلح اصغر چیست؟

ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "اتحاد سیاسی عالم. در آن زمان می توان نوع بشر را به هیکلی واحد تشبیه کرد که متحد شده اما فاقد حیات است." (ترجمه)(۶)

س- فعالیت بهائیان چگونه به این امر ارتباط می یابد؟

ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "جریان ثانی یعنی دمیدن روح حیات در این هیکل متحد، ایجاد وحدت و روحانیت حقیقی که در صلح اعظم به کمال می رسد، وظیفه بهائیان است که آگاهانه با دلالات تفصیلی و هدایت مستمر الهی به فعالیت مشغولند تا بنای ملکوت الهی را بر وجه ارض بر پا کنند، ملکوتی که تمام ابناء نوع را

به دخول در آن فرا می خوانند و به این ترتیب حیات ابدیه را بر آنها  
مبذول می نمایند." (ترجمه) (۷)

س - آیا فعالیت بهائیان حائز اهمیت است؟

ج - بیت العدل اعظم می فرمایند: "نقشه صغیر الهی که ذات الوهیت  
به عنوان نقش ما در طرح عظیمش برای فلاح و نجاح عالم بشری  
برای اجرا به ما سپرده، به وضوح تعریف و حدود و ثغور آن  
مشخص شده است. ما باید تمام قوای خود را به این امر اختصاص  
دهیم زیرا هیچ فرد دیگری نیست که این کار را انجام  
دهد." (ترجمه) (۸)

### ۳- جریان مخرب در عالم

س - مشخصات بارز نا آرامی و مشکل در دنیای امروز چیست؟

ج - بیت العدل اعظم می فرمایند: "وقتی که شرایط اجتماع خود را  
ملاحظه می کنیم، دنیایی را محاط به امراض می بینیم که تحت فشار  
سنگین آلام و اوجاع می نالد و رنج می برد." (ترجمه) (۹)

س - امراضی که امروزه عالم بدان مبتلا است، کدامند؟

ج - حضرت ولی امرالله به موارد زیر اشاره می فرمایند: "مظاهر  
شوم و تهدید آمیز منازعات حاد سیاسی، ناآرامی های اجتماعی،  
خصومت نژادی، مخالفت های طبقاتی، اخلاق ستیزی و بی دینی که به  
لحنی صریح و خالی از هرگونه ابهامی، مبین فساد و فرسودگی  
موسسات نظم ورشکسته است." (ترجمه) (۱۰)

س- این امور چگونه با نبوات حضرت بهاءالله ارتباط می یابند؟  
ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "حضرت بهاءالله فرمودند، "زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد." (۱۱) و نیز فرمودند، "عنقریب تمام دولتهای روی زمین تغییر یابد و ظلم سراسر عالم را فرا گیرد و پس از يك تشنج عالمگیر (۱۲) آفتاب عدالت از افق ملکوت غیب طلوع نماید." (۱۳) (ترجمه) (۱۴)

س- آیا این تشنج عالمگیر قبلاً اتفاق افتاده است؟

ج- حضرت ولی امرالله جنگ اول جهانی را اینگونه توصیف فرمودند: "اولین مرحله از تشنجی عظیم که مدت ها قبل حضرت بهاءالله پیش بینی فرمودند." (ترجمه) (۱۵)

هیكل مبارك در مورد جنگ ثانی فرمودند: "... طوفانی که در شدت بی سابقه" و "صرصر قهر الهی... که... به دورترین و معمورترین نقاط زمین هجوم آورده." (۱۶) بعد از خاتمه این جنگ و تاسیس سازمان ملل حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۴۸ در توقیعی خطر انقلابات شدید... (را که) رو به فزونی است" پیش بینی فرمودند و به این نکته اشاره فرمودند که "ظلمت محاصمه دیگری افق عالم را تیره و تار نموده." (۱۷) (۱۸)

در سال ۱۹۵۷ هیكل مبارك به "انذاراتی که از یراعه مرکز میثاق مبین آیات الهی صادر شده... که کل از يك انقلاب عمومی که از لحاظ وسعت و شدت در تاریخ بشر بی مثل و نظیر است، حکایت می نماید،" (۱۹) اشاره فرمودند. (۲۰)

س - علائم این انقلاب عمومی (تشنج عالمگیر) چیست؟  
ج - حضرت ولی امرالله در این خصوص می فرمایند: "این حوادث و وقایع هولناک علائم و آثاری است که منادی و یا هم عنان مصیبت عظیمی خواهد بود که به فرمان داور آسمانی و منجی عالم انسانی دیر یا زود جامعه بشریت را که اکثراً آنها متجاوز از يك قرن به ندای مظهر الهی در این عصر نورانی کمترین توجهی ننموده اند، فرا خواهد گرفت." (۲۱)

هیكل مبارك این حوادث و وقایع را اینگونه توصیف می فرمایند: "تزلزل شدید در توازن عالم اضطراب عظیمی که ارکان جهان را مرتعش خواهد ساخت تحول و تغییر کلی در جامعه بشری، انقراض نظم کنونی عالم، تغییرات اساسی در بنیان حکومتات، ضعف ارکان دین، ظهور دیکتاتوری، شیوع ظلم و جور، سقوط سلطنت، انحطاط و هبوط موسسات مذهبی، ازدیاد هرج و مرج، بحران مبسطه و تقویت حرکت شمالیه، شعله ور شدن آتش مخاصمات نژادی که اکنون زیر خاکستر است، توسعه و تزئید آلات ناریه، احتراق مدن، مسمومیت هوای ارض." (۲۲)

س - تاثیرات این مصیبت و بلا چه خواهد بود؟  
ج - حضرت ولی امرالله توضیح می فرمایند: که این بلا و مصیبت "عالم بشریت را از لوث مفسد صد ساله پاك و مطهر نموده و اعضاء جامعه انسان را به يك جامعه متحد و متفق جهانی تبدیل خواهد نمود." (۲۳)

س- آیا نوع بشر از این دوران ویرانگر و مخرب جان سالم در خواهد برد؟

ج- حضرت ولی امرالله در اشاره به عالم انسانی می فرماید: "اوضاع کنونی و حتی آینده قریب در حقیقت تاریک و تاریکی آن غم انگیز است ولی مستقبل بعید درخشنده و درخشندگی آن با جلال خواهد بود. آنقدر درخشنده است که هیچ چشمی نمی تواند آن را تصور نماید." (۲۴)

هیكل مبارك اطمینان دادند که "خداوند جز این منظوری ندارد که با وسائلی که او به تنهایی قادر به تمهید آن است و معنی کامل آن را خود به تنهایی می تواند درک نماید، برای نوع بشری که مدت ها متفرق و معذب بوده آن قرن ذهبی عظیم را ایجاد نماید." (۲۵)

#### ۴- تلاشهای غیر مذهبی برای حل مسائل عالم

س- اگر بهترین سیاستمداران جهان گرد هم آیند و خود را وقف همم عالییه جهت حل مسائل نوع بشر کنند چه توفیقی می تواند حاصل شود؟

ج- حضرت ولی امرالله فرمودند: "افسوس که عالم بشریت چه از لحاظ اخلاق انفرادی و چه از حیث روابط اجتماعی چنان از راه راست منحرف گشته و چنان رنج کشیده که به هیچ وجه حتی مساعی و تدابیر سیاستمداران و زمامداران بی طرف و خوش نیت و ساعی و فداکار نیز نمی تواند به نجاتش پردازد." (۲۶)

س- برای مسائل جهان، طرح های زیادی تمهید دیده می شود و راه حل های جامع اقتصادی پیشنهاد می گردد، آیا اینها می توانند در نهادن شالوده و اساسی مناسب برای آینده توفیق یابند؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرمایند: "نه طرح ها و نقشه هایی که سیاستمداران والامقام کشیده باشند و نه مبادی و اصولی که خبرگان بلندپایه علم اقتصاد وضع کرده باشند و نه تعالیمی که اخلاقیون در ترویجش کوشا هستند، هیچیک نمی تواند بالمآل اساس و شالوده متینی را تدارک ببندد که بر آن بتوان آینده این جهان آشفته را بنا نمود." (۲۷)

س- به نظر می رسد نسبت به نفوسی از سایر ملل و پیشینه ها، تحمل و بردباری فزاینده ای ایجاد می شود و معاضدت بین المللی سیستماتیک تر و سازمان یافته تر می گردد، آیا این اقدامات برای ایجاد ثبات در جهان کافی است؟

ج- حضرت ولی امرالله فرمودند: "هرگز اصرار و الحاح ثروتمندان خوش نیت که مردمان را به بردباری و تفاهم نسبت به هم دعوت می نمایند، جهان را آرام نسازد و تاب و توان از دست رفته اش را باز نگرداند. هرگز طرح نقشه های کلی و عمومی در تعاون و تعاضد بین المللی هر قدر وسیع و دور اندیش باشد، ریشه فساد را که موازنه جامعه کنونی را بر هم زده، قلع و قمع نتواند." (۲۸)



س- به نظر می رسد جهان به سوی وحدت سیاسی، توأم با وابستگی متقابل سیاسی در حرکت است؛ آیا این اقدامات برای نیرو و ثبات بخشیدن به اجتماع کافی است؟

ج- حضرت ولی امرالله فرمودند: "حق می توان گفت که تشکیل سازمانی برای ایجاد اتحاد سیاسی و اقتصادی جهان (۲۹) که این روزها بسیار بر سر زبانهاست، عاجز است تا سم مهلکی را که حیات اجتماعی مردم و نظم ملل را تهدید می کند، نوشدارویی باشد." (۳۰)  
س- اگر بحران جهانی را نتوان توسط سیاستمداران و الامقام بردباری و تفاهم نسبت به یکدیگر تعاون و تعاضد بین المللی یا تشکیل سازمانی برای ایجاد اتحاد سیاسی و اقتصادی جهان حل و فصل کرد، پس حل مشکلات عالم مستلزم چه امر دیگری است؟

ج- حضرت ولی امرالله مرقوم فرمودند: "پس دیگر چاره ای نمی ماند مگر آن که طرحی الهی را که حضرت بهاءالله در نهایت وضوح و بساطت در قرن نوزدهم اعلان فرموده به دل و جان بپذیریم زیرا آن طرح محتوی نقشه هایی است که خداوند متعال جهت حصول وحدت بشر در این عصر و زمان ارائه فرموده و هر يك از اجزاء مرکبه اش قادر است در مقابل نیروهای جانکاهی مقاومت نماید که اگر چاره نشود، جسم علیل و مایوس جامعه انسانی را بکلی به تحلیل خواهد برد." (۳۱)

## ۵- نگرش بهائی برای حل مسائل عالم

س- اولین قدمی که برای حل این مسائل باید برداشت، چیست؟

ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "وقتی حضرت بهاء الله در قرن نوزدهم پیام خود را به عالم اعلام فرمودند، کاملاً به وضوح مشخص کردند که اولین قدم ضروری و اساسی برای حصول صلح و ترقی عالم انسانی عبارت از اتحاد است. ایشان می فرمایند: "اصلاح عالم و راحت امم... ظاهر نشود مگر به اتحاد و اتفاق." (۳۲) (ترجمه) (۳۳)

س- آیا این دیدگاهی است که به طور عمومی و کلی پذیرفته شده است یا اکثر نفوس دارای مجموعه متفاوتی از اولویت ها هستند؟

ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "اما تا این زمان شما اکثر مردم را مشاهده می کنید که دارای نقطه نظری متفاوت و متضاد هستند یعنی آنها به اتحاد به عنوان هدفی غائی و تقریباً غیر قابل حصول نگاه می کنند و در بدایت امر نظر را بر مداوای سایر امراض نوع بشر متمرکز می سازند. اگر آنها فقط بر این موضوع واقف بودند، می دانستند که سایر امراض صرفاً علائم مختلف و عوارض جانبی این بیماری عمده و اساسی یعنی اختلاف و افتراقند." (ترجمه) (۳۴)

س- دیانت چگونه به این اتحاد و یکپارچگی ارتباط می یابد؟

ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "مضافاً حضرت بهاء الله فرمودند که احیاء عالم انسانی و معالجه تمام امراض آن تنها به واسطه این امر مبارک میسر است..." و الذی جعله الله الدریاق الاعظم و السبب الاتم لصحته، هو اتحاد من علی الارض علی امر واحد و شریعه واحده، هذا

لا يمكن ابدأ الا بطبيب حاذق كامل مويد. لعمرى هذا هو الحق و ما بعده الا الضلال المبين." (۳۵) (ترجمه) (۳۶)

س - بهترین اقدامی که فرد بهایی می تواند انجام دهد، چیست؟  
ج - بیت العدل اعظم می فرمایند: "بهترین راهی که بهائیان می توانند به خدمت و تامین عالی ترین منافع کشورشان و نجاح و رستگاری حقیقی عالم پردازند، عبارت از فدا کردن منافع و تعلقات سیاسی خویش و حمایت قلبی و کامل از نظام الهی حضرت بهاءالله است." (ترجمه) (۳۷)

حضرت ولی امرالله می فرمایند: "بهائیان باید تمام قوای خود را به سوی برپا کردن بنای امر بهایی و نظم اداری آن معطوف کنند. آنها در حال حاضر به هیچ طریق دیگری نمی توانند عالم را تغییر دهند یا به آن کمک کنند. اگر در مسائلی که دول عالم بر سر آن به منازعه برخاسته اند، وارد شوند؛ گمراه و تباه خواهند شد. اما اگر نمونه و مثال بهایی را به وجود آورند موقعی که جمیع نفوس دیگر عاجز و درمانده شده اند، می توانند آن را به عنوان علاج واقعی ارائه کنند." (ترجمه) (۳۸)

و نیز می فرمایند: "ما باید نظام بهائی خود را بر پا کنیم و نظام های ناقص و معیوب دیگر را به حال خود رها سازیم. ما نمی توانیم با ورود و مداخله در آنها به اصلاحشان پردازیم بلکه بالعکس آنها ما را نابود خواهند کرد." (۳۹)

س - آیا محتمل نیست که به فرد بهایی به عنوان کسی که از مسائل واقعی عالم احتراز می کند، نگریسته شود؟

ج - بیت العدل اعظم می فرمایند: "بهائیان غالباً متهم می شوند که خود را از "مسائل واقعی" هموعان کنار می کشند." (۴۰)

س - معمول ترین دلیل برای این اتهام چیست؟

ج - بیت العدل اعظم می فرمایند: "وقتی این اتهام را می شنویم، فراموش نکنیم که نفوسی که ما را متهم می سازند معمولاً ماده گرایان آرمانگرایی هستند که در نظر آنها منافع مادی تنها منفعت واقعی است در حالی که ما می دانیم فعالیت جهان مادی صرفاً انعکاسی از شرایط روحانی است و مادام که شرایط روحانی را نتوان متحول ساخت، هیچ تحول پایداری برای بهبود امور مادی متصور و میسر نیست." (۴۱)

س - نگرش و رهیافت مورد استفاده این "ماده گرایان آرمانگرا" در تلاشی که برای بهبود شرایط عالم مبذول می دارند، چیست؟

ج - بیت العدل اعظم می فرمایند: "اکثر مردم برداشت واضحی از نوع جهانی که میل دارند بنا کنند، ندارند و نیز نمی دانند چگونه آن را بنا نمایند. بنابراین حتی نفوسی که علاقمند به بهبود شرایط هستند در آن حد تنزل می کنند که با هر مضرت ظاهری که توجه آنها را جلب می کند به مبارزه می پردازند." (ترجمه) (۴۲)

س- آنها چگونه نتیجه گیری می کنند که شخصی از دیدگاه آنها مشارکتی بارز و مهم در بهبود عالم دارد یا خیر؟

ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "به این ترتیب تمایل به مبارزه با مصائب و بدی ها اعم از این که به شکل وضعیت ها و شرایط باشد یا در نفوس شریر مجسم گردد، برای اکثر مردم سنگ محک شده است که به وسیله آن ارزش اخلاقی شخص را مورد قضاوت و سنجش قرار می دهند." (۴۳)

س- نگرش و رهیافت بهائی با نگرش اکثر نفوس چه تفاوتی دارد؟

ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "از طرف دیگر بهائیان هدفی را که برای آن فعالیت می کنند، می شناسند و می دانند که برای نیل به آن مرحله به مرحله چه باید بکنند. تمام قوای آنها به سوی ایجاد خیر و صلاح متوجه است، خیر و صلاحی که چنان قوه مثبت و قاطعی دارد که در مقابل آن انبوه مصائب و بدی ها که جوهر و ذات آنها منفی است، رنگ می بازند و نابود می شوند." (ترجمه) (۴۴)

س- آیا فرد بهایی باید با هر بدی و مصیبت آشکار در جهان مبارزه کند؟

ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "ورود به يك مسابقه آرمانی جهت انعدام تمام بدی ها و مصیبت های موجود در جهان برای فرد بهایی اتلاف بیهوده وقت و کوشش است. تمام حیات او به سوی اعلام و انتشار پیام حضرت بهاء الله، احیاء حیات روحانی هموعان و وحدت بخشیدن به آنها در يك نظم جهانی الهی متوجه است." (ترجمه) (۴۵)

س- در این صورت نظم جهانی بهائی، چگونه این مسائل کثیره را حل خواهد کرد؟

ج- بیت العدل اعظم در خصوص فرد مومن می فرمایند: "با افزایش قوت و نفوذ نظم بهایی فرد متوجه قدرت پیام مبارک در ایجاد تحول در کل جامعه بشری و حل تدریجی و مستمر مسائل و زائل کردن بی عدالتی هایی که مدتهای طولانی عالم را مبتلا کرده است، خواهد شد." (ترجمه) (۴۶)

#### ۶- تعالیم بهائی در خصوص عدم مداخله در امور سیاسیه

س- تعالیم در خصوص مداخله در امور سیاسیه چه می گویند؟

ج- حضرت ولی امرالله طالب "عدم مداخله در امور یا مسائل سیاسیه از هر قبیل که باشد،" (۴۷) هستند.

و نیز می فرمایند: "از امور سیاسیه و مخاصمات احزاب و دول باید کل قلباً و ظاهراً، لساناً و باطناً بکلی درکنار و از اینگونه افکار فارغ و آزاد باشیم." (۴۸)

و نیز می فرمایند: "از امور سیاسیه همچون طاعون اجتناب کنیم." (ترجمه) (۴۹)

و می فرمایند: "... يك دستور مهم که در این مرحله از تکامل امرالله تاکیدش پی در پی لازم است... چنین است که پیروان حضرت بهاءالله چه از حیث فردی و چه جمعی (۵۰) باید از شرکت در امور

سیاسی اجتناب کنند و از هر نوع عملی که مستقیم یا غیر مستقیم به منزله دخالت در امور سیاسی هر مملکتی باشد، پرهیزند." (۵۱)

و می فرمایند: "اهل بهاء باید در گفتار و کردار از اغراض سیاسی ملت و سیاست حکومت خویش و از نقشه ها و برنامه های احزاب و دسته های سیاسی دوری جویند." (۵۲)

بیت العدل اعظم به "اصل بهائی عدم مداخله در امور سیاسیه..." (۵۳) اشاره می فرمایند.

حضرت عبدالبهاء در اشاره به حضرت بهاء الله می فرمایند: "آن حضرت احباء را از مداخله در جمیع مسائل سیاسیه ممنوع فرمود." (ترجمه) (۵۴)

س- در خصوص مجادلات سیاسی وظیفه چیست؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرمایند: "در این قبیل مباحثات و مجادلات طرفی را ملامت نکنند و به جهت نیبوندند و هیچ طرحی را ترویج نکنند و خود را به هیچ نظامی که مخالف مصالح وحدت جهانی که مبدا و مقصد آئین بهایی می باشد، منسوب نسازند. (۵۵)

با تزیید بجرانهای سیاسی، حضرت ولی امرالله از احبای الهی خواستند که "علیرغم فشار افکار عمومی که به سرعت در حال تبلور است، مصمم گردند که فرداً و جمعاً، قولاً و عملاً به طور غیر رسمی یا در جمیع گفتارها و انتشارات رسمی از ملامت، جانبداری هر چند غیر مستقیم در بجرانهای مکرر سیاسی که اکنون جامعه بشری را نگران

و مضطرب ساخته و نهایتاً در کام خود فرو خواهد برد، بالمره اجتناب نمایند. (۵۶)

## ۲-۶ دلایل اجتناب از مداخله در امور سیاسیه

س- آیا امر بهایی با هیچیک از احزاب سیاسی سازگار است؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرمایند: "البته يك شخص بهایی می تواند با بعضی از اصول و عقاید دستگاه های سیاسی و روحانی موافقتی داشته باشد اما نمی تواند در هیچ يك از این دستگاه ها عضویت یابد و نیز نمی تواند بر عقائد و اصول و برنامه هایشان صحه گذارد." (۵۷)

و نیز می فرمایند: "اهل بهاء... مبادا نه انفراداً نه اجتماعاً در اموری شرکت کنند که سر مویی از مرام ها و اعتقادات و حقائق اصلیه آئین خویش منحرفشان گرداند." (۵۸)

و می فرمایند: "هر فرد بهائی بالاتر از هر امری حامی اصولی است که حضرت بهاءالله تشریح فرموده اند که به اعتقاد راسخ من برنامه هیچ حزب سیاسی کاملاً با آن سازگار و منطبق نیست." (ترجمه) (۵۹)

بیت العدل اعظم می فرمایند: "لهذا عضویت در هر حزب سیاسی ضرورتاً مستلزم تکذیب و رد برخی یا جمیع اصول صلح و وحدت است که حضرت بهاءالله اعلام فرموده اند. همانطور که حضرت عبدالبهاء اعلام فرمودند: "حزب ما حزب الله است، ما به هیچ حزبی تعلق نداریم." (۶۰) ترجمه (۶۱)



س- آیا مداخله در امور سیاسی بر وحدت جامعه بهائی تاثیر می گذارد؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرمایند: "ما بهائیان در سراسر عالم جامعه ای واحد هستیم؛ ما طالب برپا کردن نظم جهانی بدیعی هستیم که منشا آن الهی است. اگر هر يك از بهائیان عضو حزب سیاسی متفاوتی باشد که بعضی از آنها بکلی با یکدیگر مخالف هستند، چگونه از عهده چنین امری برخوردار خواهیم آمد؟ در این صورت وحدت ما کجاست؟ در اثر امور سیاسی ما دچار تفرقه خواهیم شد و در مقابل یکدیگر خواهیم ایستاد و چنین وضعیتی بالمره با هدف و مقصد ما مباینست دارد. بدیهی است اگر به يك بهایی اطریشی اختیار داده شود که حزبی سیاسی را هر قدر که اهدافش عالی باشد، انتخاب کرده به آن بپیوندد، بهایی دیگری در ژاپن یا آمریکا یا هندوستان حق خواهد داشت که به همان عمل مبادرت ورزد و ممکن است به عضویت حزبی در آید که اساساً با حزبی که آن بهایی اطریشی به آن تعلق دارد، متضاد و مخالف باشد. در این صورت وحدت امرالله چه خواهد شد؟ این دو برادر روحانی به علت تعلقات و وابستگی های حزبی خود علیه یکدیگر فعالیت خواهند کرد (همانطور که مسیحیان اروپا در جنگهای برادرکشی بسیاری مرتکب همین امور شدند)." (ترجمه)(۶۲)

بیت العدل اعظم می فرمایند: "اگر فردی بهایی بر حق خویش برای حمایت از حزب سیاسی معینی اصرار ورزد، نمی تواند همین میزان

اختیار و آزادی برای سایر احباء را منکر شود. این بدان معنی است که در میان آحاد پیروان امر مبارك که رسالت اولیه اش اتحاد جمیع نفوس به عنوان خانواده ای عظیم در ظل حضرت باری است، بهائیبانی وجود خواهند داشت که با یکدیگر مخالف و منازع هستند. در این صورت مثال و الگوی اتحاد و اتفاقی که جهان طالب آن است، کجا خواهد بود؟" (ترجمه) (۶۳)

س - آیا مداخله در امور سیاسیه ممکن است مشکلاتی را برای امر مبارك در کشوری دیگر ایجاد نماید؟

ج - حضرت ولی امرالله می فرمایند: "... توسعه فعالیت ها و تنوع جامعه های بهائی که تحت انواع حکومت ها با موازین و روش ها و سیاست های مختلفه به خدمت مشغولند، چنین ایجاب می کند که بهائیبانی که عضو هر يك از این جامعه ها هستند، کاری نکنند که سوءظن جامعه دیگری را در کشوری دیگر برانگیزند و سبب ایجاد خصومت آن کشور با امر بهائی شوند و برادران خویش را دچار تضییقات دیگری کنند و کارشان را مشکل سازند." (۶۴)

بیت العدل اعظم می فرمایند: "اگر معاذالله، موسسه امرالله در امور سیاسیه مداخله می نمود، بهائیان به جای آن که موجد محبت گردند، موجب تحریک حس خصومت می شدند. اگر آنها در کشوری اتخاذ موضع می نمودند، لاجرم نظرها و دیدگاه های نفوس در کشوری دیگر در خصوص اهداف و مقاصد امرالله را تغییر می دادند. بهائیان با مداخله در مجادلات و مباحثات سیاسی به جای آن که عالم را

متحول سازند یا به آن مساعدتی نمایند، خود بنفسه گمراه و نابود می شدند." (ترجمه) (۶۵)

### ۳-۶ موارد اجرا - اصول کلی

س - اصل عدم مداخله در امور سیاسیة امروزه تا چه حدی باید به مرحله اجرا در آید؟

ج - حضرت ولی امرالله می فرمایند: "اینهاست عقائد نظم دهنده و هدایت کننده ای که حامیان امر حضرت بهاءالله در زمانی که نظم اداریشان اتساع و استحکام می پذیرد، خود را بدان پایبند دانسته با هوشیاری و بیداری رعایت می کنند. زیرا مقتضیات آئینی که به تدریج متشکل می شود و وظیفه سنگینی بر دوششان نهاده که از آن گریزی ندارند." (۶۶)

س - محافل روحانی ملی چه نقشی باید ایفا کنند؟

ج - بیت العدل اعظم می فرمایند: "اصول مندرج در آثار مبارکه واضح است اما معمولاً وقتی که این اصول رعایت می شود، سوالات مطرح می گردند. در جمیع مواردی که جریان صحیح امور واضح نیست، احباء باید با محافل روحانی ملی مشورت کنند. محافل مزبور در هدایت احباء برای اجرای صحیح امور از قوه قضاوت خود مدد خواهند گرفت." (ترجمه) (۶۷)

س - آیا بهائیان در امور سیاسیه حتی بحث نباید بکنند؟  
ج - حضرت عبدالبهاء با اشاره به حضرت بهاءالله می فرمایند: "آن حضرت احباء را حتی از بحث در امور سیاسیه ممنوع ساخته اند" (ترجمه) (۶۸)

س - آیا در اجرای این اصل وعده تائید و امدادات غیبی از حضرت بهاءالله وجود دارد؟

ج - حضرت ولی امرالله می فرمایند: "البته در این سییل کار ما بسی مشکل و دقیق است اما قدرت حارسه و هدایت ربانیه حضرت بهاءالله چاره ساز ما است و ما را در سلوک در صراط مستقیمش و در تمسک کامل به حبل حدود و احکامش مدد فرماید و اگر ثابت و مستقیم مانیم، انوار عنایتش را که هیچ نیرویی در جهان خاموشش نتواند، فرا راه ما دارد و ما را از دام ها و چاه هایی که از مقتضای این عصر است، برهاند و قادر سازد که وظائف خطیر خویش را به نحوی به انجام رسانیم که مرضی درگاه اوست و لایق انتساب به نام نامی او." (۶۹)

س - عواقب مداخله فرد بهائی در امور سیاسیه چیست؟  
ج - حضرت ولی امرالله انذار فرمودند: "اما اگر نفسی در حزبی سیاسی وارد شود و برای تفوق و اعتلاء حزبی بر حزب دیگر فعالیت نماید و بر خلاف انذارات و هشدارهای محفل در این امر اصرار ورزد و استمرار نماید، در این صورت محفل حق دارد او را از حق رای و شرکت در انتخابات امریه محروم نماید." (۷۰)

#### ۴-۶ موارد اجرا - استخدام

س- فرد بهائی در چه مشاغل دولتی می تواند استخدام شود؟  
ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "کار کردن در مجاری اداری دولتی نه از طریق سیاست های حزبی یا مشاغل دیپلماتیک یا سیاسی." (ترجمه) (۷۱)

س- فرد بهائی چگونه می تواند نتیجه گیری کند که کدام مشاغل قابل قبول هستند؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرمایند: "باید مشاغل سیاسی و دیپلماتیک را از مشاغل کاملاً اداری تفکیک نمایند و اگر در تشخیصش مردد باشند از امانت منتهی در محافل روحانی استفسار نمایند و به هیچ وجه شغلی را نپذیرند که با مال منجر به فعالیت های سیاسی و حزبی در هر کشور باشد." (۷۲)

#### ۵-۶ موارد اجرا - ارتباط با احزاب و سیاسیون

س- آیا امر بهائی با هیچ حزبی مخالفت دارد؟  
ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "امرالله با منافع حقیقی هیچ ملتی مخالفت ندارد و مخالف هیچ حزب یا دسته ای نیست بلکه خود را از جمیع مجادلات و مباحثات برکنار می داند و فوق جمیع حرکت می کند..." (ترجمه) (۷۳)

س- آیا باید با حزبی از احزاب ارتباط برقرار کنیم؟  
ج- حضرت ولی امرالله می فرماید: "ما هیچگونه ارتباط سیاسی با هیچیک از احزاب نباید داشته باشیم و به هیچیک از این فرق مختلف و متنازع نباید بیوندم." (ترجمه)(۷۴)

س- نگرش و طرز تفکر ما نسبت به احزاب سیاسی چگونه باید باشد؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرماید: "بی طرفی کامل را نسبت به احزاب سیاسی باید قلباً و لساناً اظهار داشت و خیرخواهی تمام نوع بشر چه دولت و چه ملت که از اساس مبادی بهائیان است به اقوال و اعمال اثبات نمود." (۷۵)

س- آیا بهائیان باید با سیاسیون مرتبط باشند؟

ج- بیت العدل اعظم می فرماید: "مسئلاً بهائیان می توانند و حتی تشویق می شوند که با جمیع طبقات جامعه، با عالترین مقامات مسئول و با شخصیت های برجسته و نیز با توده ناس معاشر شوند و باید آنها را نسبت به امر مبارک آشنا سازند. اما در مبادرت به این کار آنها باید اکیداً از مرتبط شدن خود یا مرتبط ساختن امر مبارک با فعالیت های سیاسی و برنامه های حزبی اجتناب نمایند." (۷۶)

س- در چنین ارتباط هایی از ابتلا به چه مخاطراتی باید احتراز کنند؟  
ج- حضرت ولی امرالله احباء را انذار فرمودند: "زمنهار زمنهار که آلت دست سیاسیون مکار گردند و یا در دام اهل مکر و خدعه بعضی از هموطنان خویش افتند." (۷۷) و (۷۸)

## ۶-۶ موارد اجرا - تبلیغ و نشر نفعات الله

س - آیا نام بردن از يك شخصیت سیاسی در يك سخنرانی عمومی بهائی جایز است؟

ج - منشی هیکل مبارک از قبل حضرت ولی امرالله نوشت: "هیکل مبارک مایلند توسط شما نظر یاران را به این نکته جلب کنند که آنها در خطابات عمومی خویش باید نهایت دقت و مراقبت را بنمایند که نام احدی از شخصیت های سیاسی را چه به عنوان موافق چه مخالف مطرح ننمایند. این اولین نکته ای است که باید مد نظر داشته باشند. در غیر این صورت احباء را در امور سیاسیه که برای امر مبارک بی نهایت خطرناک است، وارد کرده، مبتلا سازد." (ترجمه) (۷۹)

س - آیا امر مبارک باید مقالاتی را انتشار دهد که حاوی تحلیل های تفصیلی در خصوص مواضع بحث برانگیز است؟

ج - حضرت ولی امرالله می فرمایند: "راجع به انتشار مقالات و جزواتی که حاوی مواضع بحث برانگیز و سیاسی روز است، مایلم همکاران محبوبم را متذکر شوم که در مرحله فعلی که امر مبارک هنوز در اوان صباوت و نوزادی است هر تحلیل جزئی و تفصیلی توسط یاران در خصوص مواضعی که در مباحثات عمومیه در رتبه اولی قرار دارد در برخی از مجالس موجب سوءتعبیر و ایجاد سوءظن و سوءتفاهم خواهد شد و عکس العمل های نامطلوبی نسبت به امر مبارک را موجب خواهد گشت. آنها مایلند در خصوص هدف واقعی،

رسالت حقیقی و خصوصیت اساسی امر بهائی ایجاد سوء تفاهم و برداشت های نادرست نمایند." (۸۰)

س- رهنمودها و توصیه ها برای ایراد سخنانی های عمومی در رابطه با امر مبارك چیست؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرمایند: "در عین حال که سعی می کنیم خلوص و جوهر اصول اجتماعی و اخلاقی خود را با تاثیرات و ثمراتی که بر مراحل مختلف جامعه بشری دارد در کمال وفاداری حفظ کنیم و با جدیت توضیح و تشریح نماییم، باید اطمینان حاصل نماییم که در بیان مبانی امر مبارك، هیچ اشاره مستقیم یا انتقاد خاصی به ابراز خصومت با هیچ موسسه موجود گرایش نداشته باشد یا به مرتبط ساختن نهضتی کاملاً روحانی با مشاجرات و هیاهوهای فرق دسته ها و ملل متخالفه متنازعه کمک نکند." (ترجمه) (۸۱)

س- در گفتارهای عمومی خود، کتبی یا شفاهی، چه روشی باید اتخاذ کنیم؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرمایند: "در تمام اظهارات خود باید سعی نماییم حزم و متانت، امساک حکیمانه در کلام را همراه با صداقت و صراحت اکید که از سجایای مدافع پر حرارت دیانتی الهام بخش می باشد، رعایت کنیم. در عین حال که از تفوه به کلامی که به نحوی غیر ضروری موجب راندن و دور کردن فرد، دولت یا نفوس خواهد شد، باید در نهایت شهامت و بدون ادنی تاملی بر حقایق که معتقدیم وقوف بر آن برای خیر و صلاح عالم انسانی مورد نیاز حیاتی



و فوری می باشد به طور کامل صحنه گذاریم و آن را بیان کنیم." (ترجمه) (۸۲)

س - آیا اصل عدم مداخله در امور سیاسی بر انتشار و اعلام عمومی امرالله و فعالیت های اداری تاثیر می گذارد؟

ج - حضرت ولی امرالله می فرمایند: "در جمیع شئون، در مطبوعات منتشره تحت نظرشان، در مشاورات شخصی و عمومی شان، در شغل و مقامشان (۸۳)، در مخیراتشان با اعیان (۸۴)، در مراجعاتشان با اولیاء امور و نفوس مهمه در بستگیشان با سازمان ها و مجامع مشابه باید اول وظیفه خود دانند که در گفتار و کردار مواظبت نمایند تا مبدا قدمی از این اصل مسلم منحرف گردند." (۸۵)

## ۶-۲ موارد اجرا - جریان انتخابات

س - آیا در انتخابات مدنی رای دادن جایز است؟

ج - حضرت ولی امرالله می فرمایند: "اگر برای یاران میسر باشد، می توانند رای بدهند بدون آن که خود را با حزبی از احزاب مرتبط سازند. ورود به حیطه سیاست های حزبی مطمئناً مضر به مصالح امریه است و بر امر مبارك لطمه وارد خواهد آورد." (ترجمه) (۸۶)

س - آیا چنین رای تلویحاً به پذیرش برنامه حزبی سیاسی دلالت ندارد؟

ج - حضرت ولی امرالله می فرمایند: "نه فرد بهائی برای مقام مسئولی رای می دهد و نه مشارکت بهائیان در امور جمهوری به منزله

پذیرش برنامه یا سیاستی است که با هر يك از اصول حیاتی امر مبارک اعم از روحانی یا اجتماعی مابینت داشته باشد... معتقدم که بر من واجب است موضوع فوق را که از طرف من نوشته شده با بیان این نکته توضیح دهم که ابداء رای یا تعهد شغل و مقام توسط يك فرد بهائی ضرورتاً به منزله پذیرفتن تمام برنامه یا حزبی سیاسی توسط رای دهنده یا صاحب مقام مزبور نیست." (ترجمه) (۸۷)

س- فرد بهائی مبتنی بر چه اصلی باید در انتخابات مدنی ابداء رای کند؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرمایند: "به عهده فرد است که در عین احتراز از سیاست های حزبی از حق خویش برای ابداء رای استفاده کند و همیشه مد نظر داشته باشد که رای دادن با توجه به قابلیت های فرد است نه به علت تعلق او به حزبی از احزاب. این موضوع باید برای افراد که در استفاده از قضاوت و بصیرت خود مختار هستند، کاملاً روشن شود." (ترجمه) (۸۸)

#### ۸-۶ موارد اجرا - خطرات و دام ها در زمان حاضر

س- چرا فرد بهائی به دخالت در سیاست جذب می شود؟

ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "غالباً در اثر احساسات خود که تصور می شود می توان به نحوی با فعالیتی خارج از جامعه امر به هنوعان خود کمک شود، بهائیان به افراط در امور سیاسی جذب می شوند." (ترجمه) (۸۹)

س- عواقب روحانی عدول کردن از اصل عدم مداخله در امور سیاسی چیست؟

ج- حضرت ولی امرالله انذار فرمودند: "مراقبت و مواظبت جدی و اکید باید مبذول داشت تا تاثیرات فزاینده چنین موارد تخطی موجب از هم گسیختن تار و پود نگردد و مجرای وصول مواهب را که موجب حفظ و تقویت نظام الهی می باشد که اساساً فوق ملی و ملکوتی است و با زحمت و مرارت تکامل پیدا کرده و اخیراً استقرار و تثبیت یافته، مسدود نسازد." (ترجمه) (۹۰)

س- بهائیان در مراعات این اصل با چه معضلاتی مواجه خواهند شد؟

ج- حضرت ولی امرالله به "افتراء بی خبران و بدخواهان... و طمع به کسب عزت و افتخار و تحصیل پاداش" (۹۱) اشاره می فرمایند. هیکل مبارک از احباء خواستند که "کردار و گفتارشان گواهی دهد بر این که پیروان حضرت بهاءالله در هر بلادی که ساکن باشند نه جاه طلب و خودپرستند و نه تشنه قدرت و مقام و نه از این که تمسک به موازین وجدانشان سبب انتقاد و اعراض و سوءظن دیگران شود، هراسی دارند." (۹۲)

## ۹-۶ موارد اجرا - مخاطرات و دام های آینده

س- آیا در آینده سبایسون سعی خواهند کرد حمایت بهائیان را بدست آورند؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرماید: "چون بر تعداد و جمعیت جامعه های بهائی افزوده شود و قوتشان به عنوان يك نیروی اجتماعی نمایان تر گردد، اهل بهاء ناگاه مشاهده نمایند که اولیاء امور و ارباب نفوذ در عالم سیاست آنان را تحت فشار خواهند گذاشت به این امید که برای پیشبرد مقاصد سیاسی خود از آنان مدد گیرند." (۹۳)

س- آیا بهائیان در آینده در معرض اقدامات تحریک آمیز قرار خواهند گرفت تا برای منافع مادی که می توانند از دولتی بدست آورند از اصول خود عدول نمایند؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرماید: "جامعه های بهائی به طور روزافزونی برای مساعی خویش در تقویت و توسعه اساس موسسات خویش نیازمند حسن نیت و مساعدت دولت های متبوعه خواهند شد. در چنین حالی جامعه های بهائی باید بر حذر باشند که مبادا در اشتیاقی که برای پیشرفت مقاصد امر عزیزشان دارند، نادانسته آئین مقدس خویش را بر طبق معامله گذارند و اصول و مبادی اساسیه خود را به مصالحه نهند و در عوض منفعت مادی که نصیب موسساتشان گردد، اصالت مرام های عالیه روحانیه خویش را فدا کنند." (۹۴)

## ۷- تعالیم بهائی در خصوص اطاعت از حکومت

س- نگرش و طرز تفکر بهائی نسبت به حکومت چیست؟

ج- حضرت ولی امرالله به بهائیان خاطر نشان می سازند: "وظیفه ما اهل بهاء است که از يك طرف جنبه غیر سیاسی امرالله را ثابت و مبرهن سازیم و از طرف دیگر وفاداری و اطاعت خویش را از اراده و حکم دولت های متبوعه خویش اثبات نمائیم." (۹۵)

و نیز می فرمایند: "موضع و طرز برخورد بهائی دارای دو جنبه باید باشد، اطاعت کامل از حکومت متبوعه کشوری که در آن ساکنند و عدم مداخله در امور و مسائل سیاسیه از هر نوع که باشد." (ترجمه) (۹۶)

و نیز می فرمایند: "اصل اساسی که باید مراعات نماییم... عبارت از اطاعت از دولت حاکم در هر سرزمینی است که در آن ساکن هستیم..." (۹۷)

و نیز: "لهذا مشاهده می کنیم که باید به دو امر عامل باشیم از امور سیاسیه همچون طاعون اجتناب کنیم و نسبت به دولتی که در محل سکونت ما دارای قدرت است، مطیع باشیم." (۹۸)

بیت العدل اعظم با اشاره به بیانات حضرت بهاءالله و بعد حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "همین طیب الهی پیروانش یعنی "احبای الهی" را چنین مخاطب قرار می دهد، "ابداً در امور دنیا و ما يتعلق بها و روسای ظاهره آن تکلم جائز نه. حق جل و عز مملکت ظاهره را به ملوک عنایت فرموده، بر احدی جائز نه که ارتکاب نماید امری را که

مخالف رای روسای مملکت باشد." (۹۹) و در لوحی دیگر حضرتش بر آحاد مومنینش واجب فرموده که "در مملکت هر دولتی ساکن شوند، باید به امانت و صدق و صفا با آن دولت رفتار نمایند." (۱۰۰) حضرت عبدالبهاء همان اصول را مورد تاکید مجدد قرار دادند. آن حضرت در احیان سفر در آمریکا توضیح دادند که "جوهر روح بهائی این است که جهت استقرار نظم اجتماعی بهتر و شرایط اقتصادی مطلوب تر باید اطاعت و تبعیت از قوانین و اصول دولتی مجری گردد. (۱۰۱) و بالاخره در الواح مبارکه وصایا مرقوم فرمودند، "مامور به... اطاعت و خیرخواهی حکومتات... (۱۰۲) هستیم." (۱۰۳) س - آیا ما فقط از حکومت عادلانه اطاعت می کنیم؟

ج - حضرت ولی امرالله می فرمایند: "مقصود حضرت مولی الوری از بیان مزبور در حقیقت عبارت از اطاعت از دولتی است که به طور شایسته و طبق موازین، به هر شکل حکومتی که باشدف تشکیل شده است. ما افراد بهائی در مقامی نیستیم که حکوت خود را به عنوان عادل یا ظالم مورد قضاوت قرار دهیم. زیرا تردیدی نیست که هر يك از احباء نقطه نظری متفاوت خواهد داشت و در میان خود ما بهائیان منشاء و کنون مشاجره و مناقشه ایجاد خواهد شد که به نابودی وحدت و اتحاد ما منجر خواهد گردید." (ترجمه) (۱۰۴)

س- آیا اطاعت ما شامل مقررات اداری می گردد که ممکن است توسط مقامات مدنی ترویج داده شود؟

ج- حضرت ولی امرالله در اشاره به احبایی که در آن زمان در ایران دچار تضییقات بودند، می فرمایند: "جامعه بهائی به موجب نصوص قاطعه الهیه و تعلیمات موکده ربانیه نسبت به اوامر قطعیه و احکام صادره از مراجع حکومت چه در مهد امرالله و چه در سایر اقطار عالم، پیوسته مطیع و منقاد بوده و تکالیف اجتماعی و مدنی خویش را به کمال امانت و صداقت و خلوص و حسن نیت اجرا می دارد و در جمیع احیان این وظیفه مقدس یعنی اطاعت و انقیاد صرفه را نسبت به مقامات حاکمه مملکت ادامه داده و خواهد داد." (۱۰۵)

س- وقتی قوانین دولت مرکزی و ایالتی یا سیاست های دولت با هم متفاوت به نظر برسند آیا ما مختاریم که تصمیم بگیریم فقط از قوانین دولت مرکزی اطاعت کنیم؟

ج- بیت العدل اعظم می فرمایند: "بهائیان مطیع قانونند اعم از فدرال یا ایالتی، مگر آن که انقیاد نسبت به این قوانین به منزله انکار دیانت خودشان باشد. ما کاملاً و مستمراً منطبق با حیات بهائی زندگی می کنیم. مگر آن که اولیاء حکومت مانع ما شوند. این بدان معنی است که اگر قاطعانه اظهار نشده باشد که فرد بهائی ملزم نیست شخصاً در مورد تقدم قانون فدرال یا ایالتی قضاوت نماید بر عهده دادگاه است که نظر خود را اعلام دارد." (ترجمه) (۱۰۶)

س- اگر دولت فعالیت های اداری ما را محدود سازد، آیا باز هم مطیع حکومت خواهیم بود؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرمایند: "اصل هدایت کننده بهائی راهنمایی می کند که در رابطه با فعالیت های اداری هر قدر تداخل سخت و شدید با آنها بر جریان اتساع نهضت تاثیر گذارد و تعلیق آنها فی نفسه شامل ترك اصول وفاداری به امر مبارك نشود، اگر احباء نسبت به توصیه های صریح حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء وفادار هستند باید به قضاوت بررسی شده و احکام مقتدرانه صادره از حکام مسؤل کاملاً احترام گذارده و در کمال وفاداری اطاعت نمایند." (ترجمه) (۱۰۷)

س- آیا حدی بر اطاعت ما از حکومت وجود دارد؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرمایند: "در جمیع احوال، جز مواردی که اصلی روحانی مانند تبری از ایمان و عقیده مطرح باشد، باید مطیع باشیم. ما برای حفظ این اصول روحانیه باید مشتاق جانفشانی باشیم." (ترجمه) (۱۰۸)

و نیز می فرمایند: "اما در مواضعی که تاثیرات فوق العاده بر شان و احترام امر حضرت بهاءالله می گذارد و به منزله تبری از ایمان و انکار عقیده باطنی می گردد، آنها اعتقاد راسخ دارند و مسلماً بلا تامل آماده اند که اعتقاد صادقانه و بی ریای خود را با بذل دماء خود اثبات نمایند، اعتقادی که هیچ قدرتی بر وجه ارض، نه خدعه های مکارترین اعداء قادر است و نه سلاح های مرگبار مستبدترین



ظالمان می توانند با ارباب و تهدید از آنها کلام یا عملی را به ظهور رساند که حاکی از خفه شدن صدای وجدان آنها باشد یا خلوص ایمان آنها را مغشوش سازد. (ترجمه) (۱۰۹)

و نیز: "در امور وجدانیه که تعلق به اصل امر و عقاید اساسیه اهل بهاء دارد، افراد بهایی به کمال صراحت و صرامت از قبول دستوراتی که جنبه تبری از آئین الهی داشته و یا مابین با موازین روحانیه و حس وفاداری نسبت به اصول قیمه شریعت الله تلقی گردد، خود داری نموده، حبس و زجر و طرد و نفی حتی شهادت را بر اطاعت ترجیح می دهند. چنانکه احراق دم بیست هزار نفس مقدس در سیل الهی و عدم تمکین آنان نسبت به اوامر صادره که احبای الهی را به تبری و انکار و ترك محبت نسبت به مرکز امر تشویق و ترغیب می نمودند، دلیل صادق و گواه بیّنی بر این حقیقت است." (۱۱۰)

س- طرز تفکر و برخورد ما با سیاست های دولت چگونه باید باشد؟

ج- حضرت ولی امرالله اهل بهاء را با این کلمات هدایت فرمودند: "اهل بهاء باید در گفتار و کردار از اغراض سیاسی ملت و سیاست حکومت خویش و از نقشه ها و برنامه های احزاب و دسته های سیاسی دوری جویند." (۱۱۱)

س- وقتی که مباحثات و مجادلات در اثر سیاست های دولت ایجاد می شود چه باید بکنیم؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرمایند: "در این قبیل مباحثات و مجادلات طرفی را ملامت نکنند و به جهتی نپیوندند و هیچ طرحی را ترویج نکنند و خود را به هیچ نظامی که مخالف مصالح وحدت جهانی که مبدا و مقصد آئین بهایی می باشد، منسوب نسازند." (۱۱۲)

بیت العدل اعظم نیز در رابطه با امر مبارک فرمودند: "امر الهی از جمیع مجادلات و مباحثات برکنار و فوق جمیع آنها است و در عین حال بر پیروانش واجب است که نسبت به دولت وفادار و وطن پرستی متعادل و معقول باشند." (ترجمه)(۱۱۳)

س- برخی از مواضعی که حکومت ها بر سر آنها منازعه دارند به نظر می رسد مواضع اخلاقی باشند، آیا ما نباید خود را با این قبیل مسائل درگیر کنیم؟

ج- حضرت ولی امرالله فرمودند: "آنچه که ما بهائیان باید با آن مواجه شویم این واقعیت است که جامعه به سرعتی در حال متلاشی شدن است که مواضع اخلاقی که نیم قرن پیش واضح و روشن بود، اینک به نحوی مایوسانه آشفته گشته و مضافاً با منافع و علائق متنازع فیه سیاسی در هم آمیخته است. به این علت است که بهائیان باید تمام قوای خود را به سوی ارتقاء و ارتفاع امرالله و نظم اداری آن معطوف نمایند. آنها در حال حاضر به هیچ طریق دیگری نمی توانند عالم را متحول سازند یا به آن کمک کنند. اگر الگو و مثال

بهائی را به وجود آورند، می توانند موقعی که جمیع نفوس دیگر عاجز و درمانده شده اند، آن را به عنوان راه علاجی ارائه کنند." (ترجمه) (۱۱۴)

س- آیا طرز تفکر و تلقی بهائیان حاکی از بی علاقه‌گی و بی تفاوتی آنها نسبت به رفاه و سعادت کشورشان یا عدم عشق و علاقه نسبت به وطنشان است؟

ج- حضرت ولی امرالله تاکید می فرمایند: "باید به یقین بدانیم که نباید از آنچه قبلاً مذکور شد این شبهه ایجاد گردد که بهائیان به امور و مصالح کشور خویش بی اعتنائند و یا از حکومت رایج موجود در وطنشان سرپیچی می کنند و یا از وظیفه مقدسشان در ترویج کامل مصالح دولت و ملت خویش سر باز می زنند. بلکه مقصود آنست که آرزوی پیروان وفادار و حقیقی حضرت بهاءالله در خدمت صادقانه و بی شائبه و وطن پرستانه به مصالح عالیله کشورشان به نحوی صورت می پذیرد که با موازین عالیله اصالت و کمال و حقیقت تعالیم آئین بهائی منافاتی نداشته باشد." (۱۱۵)

بیت العدل اعظم می فرمایند: "بهائیان حب وطن را با خدمت به رفاه کشور در فعالیت روزانه خود یا با کار در مجاری اداری دولت نشان می دهند نه از طریق سیاست های حزبی یا مشاغل دیپلماتیک و سیاسی." (ترجمه) (۱۱۶)

س- چه مفهومی از حیات اجتماعی در تعالیم بهائی در خصوص اطاعت از دولت تلویحاً ذکر شده است؟

ج- حضرت ولی امرالله می فرمایند: "مفهوم حیات اجتماعی از دیدگاه بهائی ضرورتاً مبتنی بر تحت الشعاع قرار گرفتن اراده فرد است در مقابل اراده جامعه. امر بهائی نه فرد را سرکوب و منکوب می سازد نه او را به آن نقطه ای بالا می برد که او را مخلوقی ضد اجتماع و تهدیدی برای جامعه سازد. امر بهائی مانند هر چیز دیگری از "حد اعتدال" تبعیت می کند. تنها راهی که جامعه می تواند فعالیت کند این است که اقلیت تابع رای اکثریت باشد." (ترجمه) (۱۱۷)

#### ۸- رفاه اجتماعی و نهضت های مترقی اجتماعی

س- آیا بهائیان باید در امور خیریه و رفاه اجتماعی شرکت کنند؟

ج- منشی حضرت ولی امرالله از طرف هیکل مبارک خطاب به یکی از آحاد احباء چنین نوشت: "عقیده هیکل مبارک این است، اگر چه تمایل شما به شریک شدن فعال در خطرات و مصائبی که میلیون ها نفر مردم را امروزه مبتلا ساخته، انگیزه ای شریف و طبیعی است اما هیچ وجه تشابهی بین ارزش کار بهائی و سایر خدمات به عالم انسانی وجود ندارد.

اگر بهائیان می توانستند کار خود را به نحوی صحیح ارزیابی کنند، مشاهده می کردند در حالی که خصوصیت سایر اشکال فعالیت های

رفاهی کاملاً سطحی و در بهترین حالت خود مرتفع کردن رنج ها و بیماری های نفوس انسانی برای مدتی کوتاه است اما کاری که آنها انجام می دهند، بنیان نهادن نظم روحانی بدیعی در عالم است که بر مبنای کلام الهی تاسیس شده و طبق احکام و قوانینی که حضرت الوهیت برای این عصر اعطاء فرموده، عمل می کند. هیچ نفس دیگری نمی تواند این کار را انجام دهد، مگر کسانی که کاملاً معنای پیام حضرت بهاء الله را دریافته باشند، در حالی که تقریباً هر شخص شجاع و مخلصی می تواند در کارهای رفاهی و امثال آن فعالیت داشته باشد.

احباء ملجا و سرپناهی برای نوع بشر بنا می کنند. این وظیفه عالی و مقدس آنها است و باید تمام لحظاتی را که می توانند به این کار اختصاص دهند." (ترجمه) (۱۱۸)

بیت العدل اعظم فرمودند: "از آنجا که محبت به هموعان و اندوه به خاطر مصایب ایشان قسمت های اساسی از حیات حقیقی بهائی است، ما مستمراً به سوی اموری که جهت مساعدت به آنها می توانیم انجام دهیم، مجذوب می گردیم. این امر بغایت حائز اهمیت است که هر زمان موقعیت دست داد این کار را انجام می دهیم. زیرا اعمال ما باید موید اقوال ما باشد، اما نباید اجازه داد این شفقت و محبتی که نسبت به هموعان خود داریم، قوای ما را به مسیرهایی منحرف سازد که نهایتاً محکوم به شکست است و باعث می شود که ما از مهمترین و اساسی ترین امور غفلت کنیم. صدها هزار نفر از خیرخواهان عالم

بشری وجود دارند که حیات خود را به امور خیریه و رفاهی اختصاص دهند اما معدودی به کاری می پردازند که خداوند بنفسه مایل است بیش از هر کار دیگری انجام شود یعنی بیداری روحانی و تجدید حیات نوع بشر. (ترجمه) (۱۱۹)

س - آیا مرتبط شدن بهائیان با نهضت های مترقی اجتماعی جایز است؟

ج - حضرت ولی امرالله می فرماید: "یاران همانقدر که باید خود و امر مبارک را از آنچه که به نوعی انتساب به حزبی سیاسی به نظر برسد حفظ و صیانت نمایند، باید در مقابل تفریط در عدم مشارکت با سایر گروه های مترقی و شرکت در کنفرانس ها و کمیته هایی که برای ارتقاء فعالیت ها با تطابق کامل با تعالیم مبارک مانند فی المثل بهبود روابط نژادی در نظر گرفته شده است، خود را حفظ کنند." (ترجمه) (۱۲۰)

س - آیا نهضت های اجتماعی وجود دارند که نباید با آنها ارتباط داشته باشیم؟

ج - حضرت ولی امرالله می فرماید: "بهائیان با وقوف تام بر بیانات مکرر حضرت عبدالبهاء که جامعیت و کمال از آن خداوند است، در هر کشوری آماده بل مشتاقند تا قولاً و عملاً با هر انجمنی از انسان ها که، بعد از بررسی و مذاقه کامل قانع شوند که عاری از هر اثری از امور حزبی و سیاسی است و کاملاً به منافع جمیع نوع بشر اختصاص دارد، معاونت و معاضدت نمایند." (ترجمه) (۱۲۱)

س- هدف اولیه چنین ارتباطی با نهضت های نوین اجتماعی چیست؟

ج- حضرت ولی امرالله خاطر نشان فرمودند که: "مطمئناً بسیار ضروری است که یاران با نهضت های نوین اجتماعی مرتبط باشند اما هدف اصلی آنها باید جذب نفوس بیشتر به روح و تعالیم امر مبارک باشد. آنها باید از تجارب دیگران بهره مند شوند و از این شاخه به آن شاخه نپرند و نهایتاً آنقدر مجذوب این نهضت ها نشوند که امر الهی را به نسیان سپرند." (ترجمه)(۱۲۲)

س- چگونه می توانیم از این تماس برای ترویج بیشتر امرالله استفاده کنیم؟

ج- حضرت ولی امرالله فرمودند: "ما باید از هر فرصتی هر چند ناچیز جهت اعلان عمومی امر بهائی و نشان دادن نگرش فراگیر و آزادیخواهانه و نیز استقلال و طهارت آن استفاده کنیم. بدون آن که خود را قولاً یا عملاً نسبت به برنامه ها یا سیاست های آنها که انطباق کامل با اصول امر بهائی ندارد، متعهد سازیم." (ترجمه)(۱۲۳)





نصوص مبارکه

در مورد عدم مداخله در امور سیاسیه

### حضرت بهاء الله می فرمایند:

" لیس لاحد ان يعترض على الذين يحكمون على العباد، دعوا لهم ما عندهم و توجهوا الى القلوب. " (۱)

" تالله لانريد ان نتصرف في ممالككم بل جئنا لتصرف القلوب. انها لمنظر البها يشهد بذلك ملكوت الاسماء لو انتم تفقهون. " (۲)

" لسان قدم در این سجن اعظم می فرمایند: ای احبای حق از مفازہ ی صیقه نفس و هوی به فضاہای مقدسہ احدیہ توجہ نمائید. ابدأ در امور دنیا و ما يتعلق بها و روسای ظاہرہ آن تکلم جائز نہ. حق جل و عز مملکت ظاہرہ را بہ ملوک عنایت فرمودہ بر احدی جائز نہ کہ ارتکاب نماید امری را کہ مخالف رای روسای مملکت باشد و آنچه از برای خود خواستہ، مدائن قلوب عباد بودہ و احبای حق الیوم بہ منزلہ مفاتیحند. ان شاء الله باید کل بہ قوہ اسم اعظم آن ابواب را بگشایند این است نصرت حق کہ در جمیع زبر و الواح از قلم فائق الاصباح جاری شدہ... " (۳)

" این حزب در مملکت ہر دولتی ساکن شوند، باید بہ امانت و صدق و صفا بہ آن دولت رفتار نمایند. "

### حضرت عبدالبہاء می فرمایند:

" نفسی از احباء اگر بخواہد در امور سیاسیہ در منزل خویش یا محفل دیگران مذاکرہ بکند، اول بہتر است کہ نسبت خود را از این امر قطع نماید و جمیع بدانند کہ تعلق بہ این امر ندارد، خود می دانند. " (۴)

” میزان بهائی بودن و نبودن این است که هر کسی در امور سیاسیّه مداخله کند... همین برهان کافی است که بهائی نیست؛ دلیل دیگر نمی خواهد. ” (۵)

” شماها که خیر خواه دولتیید و صادقید و مطیع حکومتیید و موافق، همواره به خدمت پردازید و هر يك که در دربار دولت مستخدم گردید، باید به نهایت راستی و حقیقت پرستی و عفت و پاکدامنی و تنزیه و تقدیس و عدالت و انصاف سلوک و حرکت نمائید و اگر چنانچه معاذالله یکی ذره ای خیانت کند یا در امور موکوله خویش تهاون و سستی نماید و یا خود مقدار دیناری بر رعیت تعدی کند و یا آنکه منفعت خصوصی خویش جوید و فوائد شخصی طلبید، البته محروم از فیوضات حضرت پروردگار شود. زهار زهار از آنچه تحریر یافت قصور نمائید... ” (۶)

” به احباء الله بگو که نفسی ابداً در امور حکومت لساناً، فعلاً، حکایتاً، روایتاً، مداخله ننماید و همیشه به دعای خیر در حق اولیاء امور مشغول شوند زیرا به نص قاطع از مداخله ممنوع اند.

” یاران باید... به خدمت و صداقت پردازند و در آسایش مملکت ید بیضا بنمایند. هر يك که در دائره حکومت مستخدمند، باید ماموریت را اسباب تقرب به درگاه کبریا نمایند و تعصب و استقامت پردازند و از رشوت و ارتکاب به کلی بیزار گردند. به مقرری قناعت کنند و مدار افتخار را، عقل و درایت دانند. اگر نفسی به رغیفی از نان قناعت کند و به اندازه خویش به عدالت و انصاف پردازد، سرور

عالمیان است و ممدوح ترین آدمیان. بزرگوار است و سر کیسه تهی. سرور آزادگان است و لو جامه کهنه. عزت و افتخار انسان به فضائل و خصائص حمیده است و شرف و منقبتش به تقرب درگاه کبریا و الا اموال دنیا متاع غرور است و طالبان از اهل شرور و عنقریب مایوس مخذول. این بهتر یا آنکه انسان در نهایت تنزیه و تقدیس رفتار نماید و در غایت عفت و استقامت و صداقت ظاهر و آشکار گردد؟ البته از گنج روان خوشتر. ” (۷)

”از احزاب موجوده در ایران کسی که به حکومت اطاعت و تمکین دارد، حزب الله است زیرا نه به تلویح بلکه به نص صریح، مامور به اطاعت حکومت اند و صداقت به دولت بلکه به جانفشانی به جهت عزت ابدیه عالم انسانی و اگر چنانچه نفسی از احباء به منصبی رسد... و به ماموریتی منصوب شود، باید در امور موکوله خویش به کمال راستی و پاکی و صدق و عفت و استقامت بکوشد و اگر چنانچه ارتکابی کند و ارتشائی نماید، مبعوض درگاه کبریا است و مغضوب جمال اهبی و حق و اهل حق از او بیزار. بلکه به مؤنه (خوراک) و موجب خویش قناعت نماید و راه صداقت پوید و در ره ملک و ملت جانفشانی فرماید. این است روش و سلوک بهائیان و هرکس از این تجاوز کند، عاقبت به خسران مبین افتد... انسان را عزت و بزرگواری به پاکی و راستی و خیر خواهی و عفت و استقامت است نه به زخارف و ثروت. اگر نفسی موفق بر آن گردد که خدمتی نمایان به عالم انسانی علی الخصوص ایران نماید، سرور سروران است و

عزیزترین بزرگان. این است غنای عظیم و این است گنج روان و این است ثروت بی پایان و الا ننگ عالم انسانی است و لو در نهایت شادمانی است. چقدر انسان باید که غافل باشد و پست طینت که خویش را به اوساخ ارتکاب و خیانت دولت بیالاید و الا حشرات ارض از او ترجیح دارند. ” (۸)

### حضرت ولی امرالله می فرمایند:

”از امور اساسیه و مخاصمات احزاب و دول باید کل قلباً و ظاهراً، لساناً و باطناً بکلی در کنار و از اینگونه افکار فارغ و آزاد باشیم. با هیچ حزبی رابطه سیاسی نجوئیم و در جمع هیچ فرقه ای از این فرق مختلفه متنازعه داخل نگردیم. نه در سلك شورشیان درآئیم و نه در شئون داخله دول و طوائف و قبائل هیچ ملتی ادنی مداخله ای نمائیم. امرالله را چه تعلقی به امور سیاسیه و چه مداخله ای در مخاصمات و منازعات داخله و خارجه دول و ملل. به قوه جبریه به هیچ امری اقدام نمائیم و از حقیقت و جوهر این امر مبارک که اساسش، مودت و وفاق است، آنی غافل نشویم. باید در نهایت سکون و حکمت و اشتعال و همت و ثبات و استقامت نصائح مشفقانه رب عزیز را به کرات و مرات تلاوت نمائیم و عامل گردیم و به نفوس مستعده اعلان و القاء نمائیم و در تعمیم و اجرایش تا نفس اخیر کوشیم. به اسبابی معنوی به تعدیل عالم اخلاق پردازیم نه آنکه تمسک به وسایل مادیه سیاسیه جوئیم...” (۹)

” مگذارید که اولیای امور ادنی تکدیری حاصل نمایند، اگر فی الحقیقه به موجب احکام و تعالیم الهیه سالک و عامل شویم و به نوع بشر و وطن خویش خدمت نمائیم، عاقبت حقیقت معلوم و مکشوف گردد و خود آن نفوس آگاه شوند و اقبال نمایند. معذالك مگذارید، گمان کنند که بهائیان تعلق به وطن خویش ندارند بلکه به راستی بدانند و یقین نمایند که از همه بیشتر و از همه مخلص تر و از همه ثابت تر در احیای ایران و تعزیز ایرانیان به وسائل حقیقی می کوشند و مطمئنند که ایران عاقبت عزیز و توانا خواهد شد.“

” بی طرفی کامل را نسبت به احزاب سیاسیه، باید قلباً و لساناً اظهار داشت و خیر خواهی تمام نوع بشر چه دولت و چه ملت که از اساس مبادی بهائیان است به اقوال و اعمال اثبات نمود. اگر چنین شود بدرقه عنایت رسد و تأیید و توفیق مترادفاً شامل حال گردد و مصونیت احباءالله و اعلان امرالله تحقق پذیرد.“ (۱۰)

” اول عدم تمایل چه فعلی و چه قولی به احزاب سیاسیه و عدم اتفاق و مخالطه با پیروان آشوب طلبان و متمسکین به افکار مشوشه و صور موهومه خارجه. اهل بهاء چه در ایران و چه در خارج آن موطن جمال اقدس امهی را پرستش نمایند و در احیاء و تعزیز و ترقی و ترویج مصالح حقیقیه این سرزمین منافع و راحت بلکه جان و مال خویش را فدا و ایثار کنند ولی به وسائل طی فعاله و وسائلی الهیه متشبثند. در تحسین اخلاق و تقلیب قلوب افراد و اصلاح ملت سعی و جاهدند نه در تاسیس و وضع قوانین و سنن و مشروعات مادیه.

از تقلید بیزارند و به اسماء و رسوم جدیده تقیدی ندارند و از احزاب و فرق مغروره متخاصمه چه از حزب اشتراك و انقلاب و چه از نظامیان و سلطنت جویان و جمهوری طلبان و تقلید پرستان متباعد و در کنار. ادنی مخالفتی با هیچ يك ندارند و ضدیت و مقاومت ننمایند بلکه خود را مروجین امری روحانی دانند که بالمال فائق و شامل بر مقاصد اصلیه کل است نه معارض آن هر حکومتی را طوعاً اطاعت نمایند و به هیچ وجه معترض نشوند و مقاومت نکنند. صادق و امین و مطیع و خیر خواه باشند. احباء باید به اموری مشغول گردند و متعهد وظایفی شوند که ثمراتش به عموم ملت راجع گردد نه آنکه فقط مایه انتفاع بعضی از روساء و اشخاص معدود باشد. (۱۱)

” همچنین مشارکت یاران با انجمن های خیریه علمیه و ادبیه است. هر انجمنی که مقصدش فی الحقیقه ترویج منافع عمومیه و مصالح عالم انسانی است، باید احبای الهی به حکمت و اعتدال، پس از مشورت کامل به قدر قوت و استطاعت مساعده و تایید آن را نمایند و به قدر وسع و امکان مشارکت نمایند ولی باید فعلاً و قلباً و لساناً از ادنی مداخله ای در امور سیاسیه امتناع نمایند. ” (۱۲)

## یادداشت های قسمت اول:

- ۱- مکتوب بیت العدل اعظم مورخ ۸ فوریه ۱۹۷۰
- ۲- مکتوب معهد اعلى مورخ ۸ دسامبر ۱۹۶۷
- ۳- مکتوب بیت العدل اعظم مورخ ۸ فوریه ۱۹۷۰
- ۴- مکتوب معهد اعلى مورخ ۸ دسامبر ۱۹۶۷
- ۵- همان ماخذ
- ۶- همان ماخذ
- ۷- همان ماخذ
- ۸- همان ماخذ
- ۹- مکتوب معهد اعلى مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۷۶
- ۱۰- همان ماخذ
- ۱۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ص ۱۳
- ۱۲- توضیح مترجم: در تویق آوریل ۱۹۵۷ بدیع به انقلاب عمومی ترجمه شده است.
- ۱۳- نقل ترجمه از صفحه ۲۲۸ تویق قد ظهر یوم الميعاد طبع ۱۰۴ بدیع لجنه ملی نشر آثار امری طهران
- ۱۴- مکتوب بیت العدل اعظم ۷ ژوئیه ۱۹۷۶
- ۱۵- همان ماخذ
- ۱۶- نقل ترجمه از قد ظهر یوم الميعاد ص ۲
- ۱۷- حصن حصین شریعت الله ص ۷۶
- ۱۸- مکتوب معهد اعلى مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۷۶
- ۱۹- تویق آوریل ۱۹۵۷ مجموعه تویقات مبارکه ۱۱۴- ۱۰۹ ص ۲۳۳
- ۲۰- مکتوب معهد اعلى مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۷۶
- ۲۱- تویق آوریل ۱۹۵۷ که در مکتوب ۷ ژوئیه ۱۹۷۶ معهد اعلى نقل شده است. ترجمه تویق مبارک از صفحه ۲۳۳ مجموعه تویقات ۱۱۴- ۱۰۹ نقل شد.



- ۲۲- توقيع آوریل ۱۹۵۷ نقل در مکتوب ۷ ژوئیه ۱۹۷۶ معهد اعلی (این بخش از ترجمه مندرج در ص ۲۳۳ مجموعه توقیعات ۱۱۴-۱۰۹ حذف شده است.
- ۲۳- توقيع آوریل ۱۹۵۷ نقل در مکتوب معهد اعلی مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۷۶ (ترجمه توقيع از صفحه ۲۳۴ مجموعه توقیعات ۱۱۴-۱۰۹ نقل گردید. "
- ۲۴- توقيع قد ظهر يوم الميعاد نقل در مکتوب ۷ ژوئیه ۱۹۷۶ معهد اعلی ترجمه توقيع مبارك از قد ظهر يوم الميعاد نقل گردید.)
- ۲۵- همان ماخذ همان توضیحات
- ۲۷- نظم جهانی بهائی ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم ص ۴۶
- ۲۷- همان ماخذ
- ۲۸- همان ماخذ ص ۴۷
- ۲۹- توضیح مترجم: در این خصوص در انتهای کتاب " نظم جهانی بهایی " (ص ۱۸۵) بنا به تحقیقات خانم الیزابت مارتین، چنین توضیح داده شده است:
- " سازمان اتحاد جهانی - مفهوم " اتحاد جهانی " در فاصله دو جنگ بین المللی در اثر بدبینی نسبت به ملیت پرستی در مقابل جهان بینی مذکور در میثاق جامعه اتفاق ملل در افکار جلوه شدید یافت. متاسفانه دولتهای عضو جامعه اتفاق ملل بر خلاف تعهدی که نسبت به خلع سلاح متقابل و امنیت جمعی به عهده گرفته بودند در قرار دادهای دو طرفه وارد شده و شدیداً به حفظ منافع ملی خود کوشیدند و عملاً به جای کوشش در راه صلح بین المللی به سلطه و قدرت ملی روی آورده و بالاخره موجبات ضعف و شکست کامل جامعه اتفاق ملل را فراهم آورده و فکر سازمان اتحاد جهانی را در بوته تعویق انداختند."
- ۳۰- همان ماخذ
- ۳۱- بیان حضرت ولی امرالله نظم جهانی بهایی ص ۴۷ منقول در مکتوب ۸ دسامبر ۱۹۶۷ بیت العدل اعظم
- ۳۲- مقدمه کتاب اقدس طبع مرکز جهانی ص ۲۲ / مجموعه اشراقات ص ۲۷۹
- ۳۳- مکتوب معهد اعلی ۸ دسامبر ۱۹۶۷

- ۳۴- همان ماخذ
- ۳۵- لوح ملکه انگلیس کتاب مبین ص ۶۳
- ۳۶- مکتوب معهد اعلی ۸ دسامبر ۱۹۶۷
- ۳۷- مکتوب معهد اعلی ۸ فوریه ۱۹۷۰
- ۳۸- Directives from the Guardian فقره ۱۵۳
- ۳۹- ماخذ قبل، فقره ۱۵۱
- ۴۰- مکتوب معهد اعلی ۷ ژوئیه ۱۹۷۶
- ۴۱- مکتوب معهد اعلی ۷ ژوئیه ۱۹۷۶
- ۴۲- همان ماخذ
- ۴۳- مکتوب معهد اعلی ۷ ژوئیه ۱۹۷۶
- ۴۴- همان ماخذ
- ۴۵- همان ماخذ
- ۴۶- همان ماخذ
- ۴۷- ترجمه directives from the guardian فقره ۱۵۱
- ۴۸- توقیعات مبارکه ج ۱ ص ۱۲۰
- ۴۹- directives from the guardian فقره ۱۵۳
- ۵۰- توضیح مترجم: در متن انگلیسی بیان مبارک اینگونه آمده است: "... چه جمعی به عنوان محافل روحانی محلی و ملی باید از شرکت در امور سیاسی اجتناب کنند." در متن فارسی عبارت محافل روحانی محلی و ملی حذف شده است.
- ۵۱- نظم جهانی بهائی ص ۸۸
- ۵۲- نظم جهانی بهایی ص ۸۹
- ۵۳- ترجمه - مکتوب معهد اعلی ۸ فوریه ۱۹۷۰
- ۵۴- tablets of abdul- baha ,vol.۳ ,page ۴۹۷
- ۵۵- نظم جهانی بهائی ص ۸۹
- ۵۶- Directives from the Guardian فقره ۱۵۰

۵۷- نظم جهانی بهائی ص ۱۵۸

۵۸- نظم جهانی بهائی ص ۹۲

۵۹- Directives from the Guardian فقره ۳۷

۶۰- ترجمه

۶۱- مکتوب بیت العدل اعظم فوریه ۱۹۷۰

۶۲- lights of divine guidance vol. ۱

۶۳- مکتوب بیت العدل اعظم فوریه ۱۹۷۰

۶۴- نظم جهانی بهائی ص ۹۲-۹۱

۶۵- مکتوب بیت العدل اعظم فوریه ۱۹۷۰

۶۶- نظم جهانی بهائی ص ۱۵۹

۶۷- مکتوب بیت العدل اعظم فوریه ۱۹۷۰

۶۸- tablets of abdul- baha ,vol.۳ ,page ۴۹۸

۶۹- - نظم جهانی بهائی ص ۹۳

۷۰- Directives from the Guardian فقره ۲۱۴

۷۱- مکتوب بیت العدل اعظم ۸ فوریه ۱۹۶۷

۷۲- نظم جهانی بهائی ص ۹۰

۷۳- مکتوب بیت العدل اعظم فوریه ۱۹۷۰

۷۴- Directives from the Guardian فقره ۱۵۲

۷۵- توقیعات مبارکه ج ۱ ص ۴۲

۷۶- مکتوب بیت العدل اعظم فوریه ۱۹۷۰

۷۷و۷۸- نظم جهانی بهائی ص ۸۹

توضیح مترجم: حضرت ولی امرالله در یکی از توقیعات فارسی خویش می فرمایند: " از مخالطه با احزاب شریره متنازعه تجنب و احتراز جویند. این احزاب سیاسیه منشا فسادند و هادم بنیان دولت و ملت. انتفاع خویش را مقدم بر خیر عموم دانند و از لوازم و احتیاجات شدیدة وطن خویش غافل و بیزار

مقلد و مغرورند و بی کفایت و اطلاع. زنهار یاران صاف دل در دام آنان گرفتار گردند و از مشارکت و مصاحبت با چنین نفوس از آنچه به آن مامور گشته اند، محروم و ممنوع گردند. "توقیعات مبارکه ج ۱ ص ۳۱۵"

۷۹- Directives from the Guardian فقره ۱۴۹

۸۰- BAHAI ADMINISTRATION صفحه ۱۰۲

۸۱- BAHAI ADMINISTRATION صفحه ۱۰۲

۸۲- BAHAI ADMINISTRATION صفحه ۱۰۲

۸۳- توضیح مترجم: در متن انگلیسی توقیع مبارك عبارت مزبور اینگونه است "در شغل و مقامشان و خدماتی که انجام می دهند."

۸۴- توضیح مترجم عبارت "در مخایراتشان با احباء" که در اصل توقیع مبارك وجود دارد در نقل قول نویسنده حذف شده اما حذف آن مشخص نشده است. حدس زده شد که سهواً حذف شده لذا عیناً نقل گردید.

۸۵- نظم جهانی بهائی ص ۸۸ ۸۹

۸۶- Directives from the Guardian فقره ۲۱۴

۸۷- Directives from the Guardian فقره ۳۷

۸۸- Directives from the Guardian فقره ۲۱۴

۸۹- مکتوب معهد اعلی ۸ دسامبر ۱۹۶۷

۹۰- Directives from the Guardian فقره ۱۵۰

۹۱- نظم جهانی بهائی ص ۹۲

۹۲- نظم جهانی بهائی ص ۹۳

۹۳- نظم جهانی بهائی ص ۹۰-۹۱

۹۴- نظم جهانی بهائی ص ۹۱

۹۵- نظم جهانی بهائی ص ۸۹

۹۶- Directives from the Guardian فقره ۱۵۱

۹۷- Directives from the Guardian فقره ۱۵۳

- ۹۸- **Directives from the Guardian** فقره ۱۵۳
- ۹۹- لوح ذبیح مجموعه اقتدارات ص ۳۲۴
- ۱۰۰- بشارت پنجم از لوح بشارت مجموعه الواح طبع مصر ص ۱۱۸
- ۱۰۱- ترجمه خطابه مورخ ۲۳ جولای ۱۹۱۲
- ۱۰۲- ایام تسعه ص ۴۶۲ توضیح مترجم: جمله کامل الواح وصایا اینگونه است:  
 "به نصوص الهیه ما ممنوع از فسادیم و مامور به صلح و صلاح و مجبور به راستی  
 و درستی و آشتی به جمیع اقوام و امم آفاق و اطاعت و خیر خواهی حکومتات..."
- ۱۰۳- مکتوب معهد اعلیٰ ۷ ژوئیه ۱۹۷۶
- ۱۰۴- **Directives from the Guardian** فقره ۱۵۱
- ۱۰۵- قرن بدیع طبع کانادا صص ۷۴۱-۷۴۰
- ۱۰۶- **u.s national bahai review** n o , ۳۲ , august ۱۹۷۰ p.۱
- ۱۰۷- **BAHAI ADMINISTRATION** صفحه ۱۶۲
- ۱۰۸- **Directives from the Guardian** فقره ۱۵۳
- ۱۰۹- **BAHAI ADMINISTRATION** صفحه ۱۶۲
- ۱۱۰- قرن بدیع ص ۷۴۱
- ۱۱۱- - نظم جهانی بهائی ص ۸۹
- ۱۱۲- - نظم جهانی بهائی ص ۸۹
- ۱۱۳- مکتوب معهد اعلیٰ ۸ فوریه ۱۹۷۰
- ۱۱۴- **Directives from the Guardian** فقره ۱۵۳
- ۱۱۵- - نظم جهانی بهائی ص ۹۰
- ۱۱۶- مکتوب معهد اعلیٰ ۸ فوریه ۱۹۷۰
- ۱۱۷- **u.s national bahai review** n o , ۱۲۰ , august ۱۹۷۰ p.
- ۱۱۸- ۳۳- ۲۴،۲۶- **principles of bahai administration** pp.
- ۱۱۹- مکتوب معهد اعلیٰ ۸ دسامبر ۱۹۷۰
- ۱۲۰- انوار هدایت فقره ۱۸۱۵

۱۲۱- BAHAI ADMINISTRATION صفحه ۱۲۵  
principles of bahai administration pp.۲۴،۲۶- ۳۳- ۱۲۲

۱۲۳- انوار هدایت شماره ۱۳۸۵

یادداشت های قسمت دوم:

۱- کتاب مستطاب اقدس، مضمون بیان مبارک چنین است: بر احدی نیست که اعتراض کند بر کسانی که حکم می کنند بر مردم واگذارید ایشان را به خودشان و توجه کنید به سوی قلوب.

۲- مضمون بیان مبارک چنین است: قسم به خداوند، اراده نداریم اینکه تصرف کنیم مملکت های شما را. بلکه آمده ایم تا اینکه تصرف کنیم قلب ها را. به درستی که آنها هستند نظرگاه و مقصود بهاء شهادت می دهد به این ملکوت اسماء اگر شما از دانایان هستید.

۳- لوح مبارک ذبیح

۴- لوح مبارک این ابهر

۵- لوح مبارک ابن اصدق

۶- مجموعه الواح عکسی ص ۱۳۷

۷- همان، صص ۲۳۲

۸- همان

۹- تویع مبارک ۲۷ شباط سال ۱۹۲۳ میلادی

۱۰- تویع مبارک اول ژانویه ۱۹۲۳ میلادی

۱۱- تویع مبارک ۳۰ اکتبر ۱۹۳۴ میلادی

۱۲- تویع مورخه آپریل ۱۹۲۶ میلادی

منابع بیشتر برای مطالعه:

- ۱- نوار عدم مداخله در امور سیاسی، دکتر ایرج امین
- ۲- نوار عدم دخالت در امور سیاسی، دکتر علیمراد داوودی

